

معجزه مذاکره

بهزاد نبوي در گفتوگو با «اعتماد» ضمن بازخواني تحولات داخلي و منطقه‌اي از ضرورت‌هاي ورود به عصر تازه مي‌گويد

مهدي بيك اوغلي

گفتوگو با بهزاد نبوي به خودي خود هم سهل است و هم ممتنع. سهل از اين نظر که چريك پير عرصه سياست ايران زمين، ميهمان‌نواز است و پذيراي هر طرح و ايده جديد و دشوار از اين منظر که به زير و بم عرصه سياست کاملا مسلط است! از فحواي کلامش اين‌طور استنباط مي‌کنم که مايل نيست چريك پير خطاب شود، چرا که از هر انقلابي، بيزار شده است. خودش مي‌گويد: «از انقلاب فرانسه بيشتر از همه انقلاب‌ها بيزار است.» مي‌گويد در دوران زندانش، تاريخ انقلاب‌هاي جهان را دوره کرده و متوجه شده که ساير کشورهاي اروپايي براي تبديل دوران فئوداليزه به بورژوازي مسير کم خطرتر و کم هزينه‌تري از انقلاب فرانسه را پيموده‌اند و به نتايجي بهتر دست پيدا کرده‌اند. اين شايد از شوخي‌هاي روزگار باشد که چريك پيري که مسير يك انقلاب بزرگ را با همه فراز و نشيب‌هايش پيموده اصلاحات تدريجي را به نسل‌هاي جديدتر تجويز کند! به اعتقاد نبوي کشورها براي حرکت از وضع موجود به وضعيت مطلوب‌تر به‌طور کلي 3راه در برابر دارند. نخستين راه انقلاب، سپس مسير دخالت‌هاي خارجي و نهايتا دست زدن به اصلاحات تدريجي. نبوي مسير سوم را معقول دانسته و معتقد است به جز اين راه هيچ کدام از گزاره‌هاي ديگر، به سرمنزل توسعه پايدار ختم نمي‌شود. انتخاب پزشکيان را فرصتي براي ادامه مسير رشد ايران مي‌داند و دورنماي آينده را روشن مي‌بيند. اين فعال سياسي اصلاح‌طلب هرچند مسائلي چون رفع فيلترینگ، مساله حجاب و... را مهم مي‌داند اما در عين حال خطاب به دولت چهاردهم توصيه مي‌کند که مهم‌ترين پرونده پيش روي خود را حل معضلات اقتصادي و معيشتي مردم قرار دهد.

زمینه‌سازی برای انجام این گفت‌وگو چند ماه وقت گرفت. ابتدا پرسش‌ها ارسال و موضوعات مورد نظر استخراج شدند و سپس قرار گفت‌وگو در عصر يك روز پاییزی در خانه بهزاد نبوی گرامی تنظیم شد. صحبت‌هایی که از رخدادهای اخیر منطقه آغاز شد، به مسائلی چون چگونگی مواجهه با امریکا مدل ترامپ و... ادامه پیدا می‌کند و به راهبردهای مناسب برای عبور از چالش‌های بحران‌های کشور ختم می‌شود. هنگام گفت‌وگو کاملاً جدی است و عبارات را با دقت کنار هم می‌چیند. اما گفت‌وگو که به پایان می‌رسد، لبخند روی لبانش می‌نشیند. هنگام خداحافظی مانند پدربزرگ‌هایی که نگران نوه‌هایشان می‌شوند، مشت‌های آجیل و خشکبار در جیب می‌ریزد که در فاصله خانه او تا مترو، سرگرم شوم. علی‌رغم قامت خمیده‌اش به رسم ادب میهمانش را تا دم در مشایعت می‌کند و نهایتاً با يك لبخند و يك خاطره شیرین، پرونده يك گفت‌وگویی تحلیلی را می‌بندد.

شرایط منطقه پس از رخدادهای اخیر در لبنان و سپس سوریه بسیار حساس شده است. اسرائیل تلاش می‌کند پای ایران و امریکا را به يك منازعه باز کند. در این شرایط ایران برای تحقق منافع ملی‌اش چه باید بکند؟

هرچند تنازعات ایران با اسرائیل به نسبت هفته‌های گذشته اندکی فروکش کرده اما هنوز هم باید مراقب شیطنتهای اسرائیل و همفکرانش در داخل باشیم. چون ما در داخل کشور تعداد زیادی از همفکران اسرائیل را در سطوح بالا داریم. یعنی برخی افراد و جریان‌ها زمینه اجرای همان کاری که اسرائیل قصد انجام آن را دارد و می‌خواهد ایران را مستقیماً وارد میدان جنگ با امریکا کند، فراهم می‌کنند.

اینکه برخی افراد و جریان‌ها ناخواسته به گونه‌ای رفتار کنند که منافع اسرائیل در ایران تامین شود، يك بحث است، اما بحث نفوذ مستقیم اسرائیل در داخل ایران، موضوع متفاوتی است. واقعا يك چنین اعتقادی دارید؟

سال‌هاست که من این بحث را مطرح کرده‌ام که ما عوامل نفوذی اسرائیل را در سطوح بالای کشور داریم. حتی زمانی از من درباره این مورد بازپرسی هم کردند. زمانی از بچه‌های بند 350 اوین شنیدم که 2 نفر جاسوس را که در دفتر یکی از حضرات با نفوذ و بلندمرتبه دستگیر شده بودند در بند 350 اوین، زندانی کرده بودند. همه زندانیان در جریان حضور آنها در زندان بوده و از آن با خبر بودند. یکی از این 2 نفر هم اعدام شدند. اخیراً هم شایعاتی درباره نفوذ گسترده

اسرائیل در جریان شهادت سید حسن نصرالله و جانشین او صفی‌الدین و... مطرح شده که البته مسوولان باید درباره آن توضیح دهند. به هر حال نمی‌توان انکار کرد که پروژه نفوذ در سطح گسترده در کشور وجود دارد. من این بحث را زمانی مطرح کردم و بعد برای بازپرسی فراخوانده شدم.

این صحبت‌ها مربوط به چه سالی است و نتیجه آن چه شد؟

حدود 3 سال قبل این موضوعات را مطرح کردم و مرا به بازپرسی بردند. منتظر قرار مجرمیت و بازداشت و این حرف‌ها بودم که دیدم خبری نشد. وکیلیم دکتر صالح نیکبخت پیگیر موضوع بود و مشخص شد که قرار عدم پیگرد برای من صادر شده است.

در شرایط فعلی به نظر شما چه راهبردی باید پیش گرفته شود؟

اجتناب از جنگ جدید با اسرائیل، ادامه مذاکرات با اروپا خصوصا در دوره ترامپ و تلاش برای احیای چیزی شبیه برجام، جدا کردن خرج اسرائیل از آمریکا و یکی نکردن حساب این دو (حداقل در دوره بایدن کم و بیش واقعیت داشت و در دوره ترامپ می‌توان با درایت راهبرد پیشنهادی را پیش برد) ما سودی از متحد کردن آمریکا و اسرائیل نمی‌بریم.

راهبردهای دولت در خصوص رخدادهای بیرونی تلاش برای تنش زدایی بوده است. اما اگر به جای مسعود پزشکیان رقیب او رییس‌جمهور می‌شد، باید منتظر چه تحولاتی بودیم؟

تدبیر مسعود پزشکیان در تحولات اخیر بسیار تعیین‌کننده بوده است. اگر به جای پزشکیان، سعید جلیلی رییس‌جمهور بود، ایران امروز احتمالا درگیر جنگ بزرگی شده بود که نتایج غیر قابل پیش‌بینی داشت. البته خوشبختانه سایر سران قوا (قوه قضاییه و مقننه) هم مواضع تنیدی در قبال موضوعات منطقه‌ای نداشتند. این رویکردهای مقامات مسوول و روسای قوا باعث شد علی‌رغم همه شعارها و سر و صدایی که تندروها راه می‌اندازند، کشور به سمت تندروی سوق پیدا نکند. معتقدم از نظر نظامی ایران طلبی از اسرائیل ندارد. هم در عملیات وعد صادق 1 و هم در وعد صادق 2، ایران پیش‌دستی کرد و اسرائیل هم واکنش خفیفی نشان داد. اگر وعد صادق 3 انجام نشود ایران چیزی را از دست نداده و اتفاقا ابتکار عمل را هم در دست دارد. بر اساس اعلام مقامات مسوول ایران واکنش‌های اسرائیل (در خصوص عملیات وعد صادق 1 و 2) کم اهمیت بوده است. البته اگر من اختیاری داشتم، مانع

اجرای عملیات و عد صادق 2 می‌شدم. شخصیت برجسته فلسطینی را در کشور ایران ترور کرده‌اند، اسرائیل هم ترور هنیه را گردن نگرفت، ایران اما به خاطر ترور شهید هنیه حمله نظامی بزرگی به اسرائیل انجام داد. بهترین راه از نظر من برخورد سیاسی و بین‌المللی بود. همین کاری که امروز جهان بدون ایران در حال انجام آن است و دیوان کیفری بین‌المللی نتانیاها را به عنوان جنایتکار جنگی معرفی و حکم جلب او را صادر کرده است. تندروهای ایرانی اما به این موارد توجه نداشته و شعارهای بی‌فایده و پرهزینه درخصوص نابودی اسرائیل سر می‌دهند که اشتباه است. شعارهایی که برخلاف منافع ملی ایران است. به نظرم راهبردهایی که دولت چهاردهم در تنش زدایی و توسعه مناسبات ارتباطی با همسایگان و سایر کشورها انجام می‌دهد، اگر ادامه پیدا کند منافع ملی محقق می‌شود.

شما گفتید با هر نوع عملیات نظامی مخالفید، چرا فکر می‌کنید در شرایط فعلی بهترین سیاست، سیاست تنش زدایی و دوری از تنازع است؟

باید بدانیم، هر عملیات نظامی برای ایران میلیاردها دلار هزینه دارد. در این شرایط اقتصادی که ایران تحت تحریم و فشار است نباید دست به یک چنین اقداماتی زد. شخصا با وعد صادق 2 هم مخالف بودم، اما زورم نمی‌رسید که مسوولان را از عملیات صادق 2 باز دارم. عملکرد دولت و حاکمیت اگر به همین منوال پیش برود و تصمیم‌سازان به حرف تندروها که من معتقدم در راستای منافع اسرائیل عمل می‌کنند، توجه نکنند، بهتر است و به تحقق منافع ملی کمک می‌کند.

در ایران دو دسته کلی طرفداران تقابل با اسرائیل و امریکا و طرفداران مذاکره و رابطه با امریکا وجود دارد. شما در صحبت‌هایتان بارها اشاره کردید که ایران در مواجهه با امریکا، اروپا و سایر کشورهای منطقه باید تنش زدایی را در پیش بگیرد، چرا فکر می‌کنید مذاکره و رابطه با امریکا و غرب منافع ایران را بیشتر محقق می‌کند؟

در پرسش شما به دو دسته کلی طرفداران تقابل و طرفداران رابطه اشاره شد. مشهود است که من طرفدار دیپلماسی، تنش زدایی و مذاکره هستم. معتقدم حتی برخورد ما با اسرائیل باید برخورد سیاسی و پیگیری موضوع از طریق مجاری بین‌المللی و پیگیری‌های حقوقی باشد، از این طریق نقشه نتانیاها را می‌توان خنثی کرد. مذاکراتی که اخیرا ایران با کشورهای اروپایی انجام داده از نظر من بسیار سازنده است. مذاکره با اروپا باید ادامه پیدا کند. نباید این

دیدگاه مطرح شود که اروپاییان وزنی به اندازه امریکا ندارند یا عهدشکن هستند و... ما باید شرایطی فراهم کنیم که اروپاییان از موضع تند و تیزی که در مواجهه با ایران دارند، عقب‌نشینی کنند. مذاکراتی که صورت گرفت و ادامه‌دار خواهد بود قطعاً مثبت است. ایران نباید رفتارهای تحریک‌آمیز داشته باشد. تحریک ما، یعنی حمایت بیشتر امریکا از اسرائیل و مقابله بیشتر با ما، حتی اگر قرار باشد ایران در تنازعی حضور یابد، این تنازع با اسرائیل است. چرا باید ایران با امریکا بجنگد؟ اساساً آیا ایران توان جنگ با همه جهان را دارد؟ تندروهایی که بر ناقوس جنگ می‌کوبند یا به واقعیت‌ها توجه ندارند یا اینکه همفکر اسرائیل هستند. سیاست ایران برای تنش زدایی با امریکا و مذاکره با اروپا بسیار مثبت است و نقشه نتانیاهو برای شکل دادن به جنگ میان ایران و امریکا را خنثی کند. ایران به جای اینکه خودش را در جهان منزوی کند باید نتانیاهو و اسرائیل را منزوی کند. صدور حکم بازداشت برای نتانیاهو بسیار مهم است. این روند باید ادامه یابد. شنیدم برخی کشورهای اروپایی هم اعلام کرده‌اند در صورت حضور نتانیاهو در کشورشان او را بازداشت می‌کنند. ما باید از این راهبردها حمایت کنیم، نه اینکه شعارهای بدون پشتوانه سر داده و رجزخوانی کنیم. ما باید با جهان در جهت انزوای اسرائیل همراهی کنیم. اما تندروهای ایرانی تلاش می‌کنند ایران را منزوی کنند. احساس می‌کنم حتی یک عقل متوسط اگر ریگی به کفش نداشته باشد می‌فهمد که ایران به جای برخورد نظامی باید برخورد سیاسی با اسرائیل داشته باشد. در شرایطی که جهان در حال محکوم ساختن اسرائیل است ایران نباید با چند حرکت نسنجیده، اسرائیل را رها و خودش را گرفتار کند. حتی کشورهای بزرگ اروپایی هم به دنبال منزوی ساختن نتانیاهو و اسرائیل هستند. درست است که این روند به دلیل مقاومت مردم غزه و لبنان و جنایات فراوان نتانیاهو و اسرائیل شکل گرفته اما ایران هم باید به انزوای بیشتر اسرائیل کمک کند. میدان مقابله با اسرائیل حوزه روابط بین‌الملل و سیاست است.

گفته می‌شود در دوران دولت اصلاحات که همزمان با ریاست‌جمهوری جرج بوش پسر بود؛ امریکا قصد داشت ابتدا به جای عراق به ایران حمله کند، اما به دلیل مشارکت 70 درصدی مردم ایران و بالا بودن انسجام اجتماعی از حمله به ایران منصرف و عراق را به عنوان هدف حمله انتخاب کرد. تا چه اندازه افزایش مشارکت اجتماعی در شرایط امروز کشور می‌تواند برای کشور مصونیت ایجاد کند؟ از سوی دیگر سیستم و حاکمیت برای افزایش انسجام اجتماعی چه باید بکند؟

من خاطره بامزه‌ای از آن دوره که بوش پسر به جای ایران به عراق حمله کرد تعریف کنم که احتمالاً قبلاً هم آن را جایی گفته‌ام. نقاشی آمده بود خانه ما را که آن زمان در سعادت‌آباد بود رنگ کند. یک روز من در حال راه انداختن این نقاش ساختمان بودم. جلوی در، این نقاش، شروع کرد صدام را فحش دادن! تعجب کردم و پرسیدم چرا به صدام فحش می‌دهی؟ این آقای نقاش گفت: «صدام فلان فلان شده اینجا هم حق ما را خورد.» منظور این هموطن این بود که آمریکا به جای حمله به ایران، عراق را برای حمله انتخاب کرد! برخی اقشار ایرانی در آن برهه تصور می‌کردند اگر بوش به ایران حمله می‌کرد اوضاع خوب می‌شد.

پس مردم از چه راهی می‌توانند وضع نامطلوب موجود را به وضع مطلوب مورد نظر خود تبدیل کنند؟

من وقتی به مسیر طی شده نگاه می‌کنم، 3 راه بیشتر برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب نمی‌شناسم. یکی از راه‌ها، انقلاب است که من همواره گفته‌ام (پس از زندان دوم) دیگر ضد هر انقلابی شده‌ام. نه فقط انقلاب ایران بلکه هر انقلابی، در راس همه انقلاب‌ها هم مخالف انقلاب فرانسه هستم. گفته می‌شود انقلاب فرانسه آمده بورژوازی را جانشین فئودالیزم کند! من در زندان دوم، مطالعه کردم و متوجه شدم، همه کشورهای اروپای غربی این مرحله را طی کرده‌اند، بدون اینکه یک مورد گیوتین هم بالا و پایین برود و بدون اینکه سر و کله یک روبسپیر جلاد هم پیدا شود! تبدیل فئودالیزم به بورژوازی با این همه جنایت و کشت و کشتار چه حُسنی داشت؟ بنابراین یک راه تغییر را انقلاب می‌دانم. حتی یک مورد از این انقلاب‌ها از انقلاب فرانسه و الجزایر گرفته تا انقلاب کوبا، روسیه و... موفق نبوده‌اند. (هر زمان لازم باشد حاضرم درباره آن با شما صحبت کنم) وقتی در جریان زندان سال 88 به مرخصی می‌آمدم و جوان‌ها به دیدن من می‌آمدند و درباره دگرگونی‌های بنیادین صحبت می‌کردند، می‌گفتم: «بچه‌ها ما این راه را (راه انقلاب را) رفته‌ایم و به اشتباه بودن آن پی برده‌ایم. تازه در انقلاب ما به اندازه انقلاب فرانسه، گیوتین بالا و پایین نرفت. (به نسبت کمتر بود) راه دوم برای تغییر، دخالت خارجی است. قبل از حمله آمریکا به افغانستان و عراق، بسیاری از ایرانیان فکر می‌کردند چه معجزه‌ای! آمریکا می‌آید و رژیم‌های استبدادی را سرنگون می‌کند و ما نفس راحتی کشیده و آزاد می‌شویم. حداقل 2 همسایه شرقی و غربی ما، دچار این روش شده‌اند. البته اوضاع عراق پس از 20 سال در حال بهتر شدن است، اما افغانستان هنوز هم بحران دارد.

بنا بر این راه حمله خارجی هم راه مطلوبی نیست. میماند راه سوم که راه اصلاحات است. در دولت خاتمی علاوه بر انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی، بهترین آمارهای اقتصادی در دوران پس از انقلاب ثبت شد. در حوزه سیاست خارجی ایران به اندازه‌ای رشد کرد که بنا به خواست دولت ایران سال 2001 به نام سال گفت‌وگویی تمدن‌ها شناخته شد. امروز هم اگر سیاست عدم درگیری نظامی، فعال بودن در عرصه سیاست خارجی و در عین حال عدم فشار اقتصادی به مردم را در پیش بگیریم نتایج خوبی برداشت می‌کنیم.

این روزها دولت بحث ضرورت افزایش قیمت حامل‌های انرژی را مطرح می‌کند. درباره این ایده دولت نظری دارید؟

همه میدانیم بحران‌های فراوان اقتصادی از جمله بحران‌های ناشی از تحریم، تورم و... کشور را گرفتار کرده و دولت با ناترازی‌های بسیاری روبه‌رو است، اما باید از معیشت مردم حفاظت کرد. این حفاظت می‌تواند با ارزان‌تر فروختن همه کالاها معنا پیدا کند. معتقدم الان وقت فشار اقتصادی وارد کردن به مردم نیست. فشار اقتصادی، موضوع انسجام اجتماعی که می‌توانست در دولت پزشکیان افزایش یابد را خدشه‌دار می‌کند. دولت ابتدا باید در حوزه سیاست خارجی درست عمل کرده و تحریم‌ها را رفع کند یا کاهش دهد. وقتی این اتفاق رخ دهد، شاخص‌های اقتصادی در مسیر بهبود قرار می‌گیرند. دولت اگر دستش برای برخی اصلاحات ضروری بسته است، می‌تواند مانند دهه 60 و در ایام جنگ، توزیع عادلانه نیازهای اساسی مردم را برنامه‌ریزی کند.

منظور شما برقرار ساختن دوباره ایده کوپنی کردن نیازهای مردم است؟

در آن زمان (دهه 60) به ما ناسزا می‌گفتند که کوپونیزم یعنی کمونیسم! هر اسمی که این سیاست داشته باشد، حداقل نیازهای مردم را با قیمت ثابت و قابل قبول تامین می‌کند. این روند البته تا زمانی باید ادامه یابد که مشکلات حوزه سیاست خارجی و تحریم‌ها حل شود. من در يك کانال خبری عضو هستم که اتفاقاً طرفدار اصلاح‌طلبان هم هست. در این کانال هر روز مژده چند گرانی اساسی و درست و حسابی داده می‌شود! مگر مردم چقدر توان دارند؟ درست است در حوزه سیاست خارجی، عدم درگیری نظامی، حل مشکلات سیاست خارجی و... به انسجام کمک می‌کند اما نباید فراموش کرد گرسنگی و فقر مردم اثرات این تلاش‌ها را خنثی می‌کند. خاطرم هست زمان دولت 8 ساله مهندس میر حسین موسوی و قبل از آن دولت شهید رجایی، افراد مسوول و بانفوذی

بودند که معتقد به آزادسازی قیمت‌ها، حاکم ساختن نظام اقتصادی عرضه و تقاضا و موارد اینچنینی بودند، اما نباید اجازه داده شود انسجام اجتماعی کشور که با کارهای خوب دولت مانند عدم اجرای لایحه حجاب و عفاف، رفع فیلترینگ و... در حال بهبود یافتن است بی‌اثر شود. من به شدت مخالف گران کردن اقلام اساسی و مصرفی مردم در شرایط فعلی هستم. مسوولیتی ندارم اما به عنوان یک شهروند مخالف این افزایش قیمت‌ها هستم. دولت برای اینکه بتواند سیاست‌های خود را تداوم بخشد باید از موج گرانی‌ها جلوگیری کند. حتی اگر کالا و خدماتی گران شده تا زمان حل مشکل تحریم‌ها باید به وضعیت سابق بازگردد. امروز هم که حاکمیت تقریباً به دولت اجازه حل برخی مشکلات را داده، دولت باید از این فرصت استفاده کند.

نمیشود با شما صحبت کرد و درباره قانون حجاب و عفاف که این روزها توجه بسیاری از ایرانیان را جلب کرده، صحبت نکرد. نظر شما درباره قانون حجاب و عفاف چیست؟

نظرات من درباره این قانون مشخص است. من مخالف حجاب اجباری هستم. تا جایی که من میدانم و احساس می‌کنم، کل حاکمیت با این قانون و این نوع برخوردهای سلبی موافق نیستند. موضوعاتی مانند حجاب و عفاف و فیلترینگ، مذاکره و... از جمله این موارد هستند. اگر حاکمیت موافق اجرای قانون حجاب و عفاف، تداوم فیلترینگ و عدم گفت‌وگو و مذاکره با غرب و... بود، شک نکنید دولت پزشکیان نمی‌توانست این‌گونه درباره این موضوعات مانور دهد. من نگران این قانون و سایر موارد سلبی نیستم. معتقدم یک چنین مواردی را به مرگ می‌گیرند تا دولت به تب راضی شود. مشخص است کدام افراد و جریان‌ها و کدام تیپ‌ها در مجلس دنبال انجام این کار و این رویکرد هستند. طیف‌های تندروی شناخته شده دنبال این برخوردهای سلبی هستند. مردم نباید زیاد نگران این موارد باشند. برخی فکر می‌کنند اگر مساله فیلترینگ و حجاب آن‌گونه که ما فکر می‌کنیم انجام شود انسجام اجتماعی به صدمه می‌رسد. دولت نباید از اقتصاد غافل شود. مشکلات اقتصادی هم کاملاً قابل حل است.

نهایتاً درباره حضور ترامپ هم اگر نظری دارید، بفرمایید. فکر می‌کنید ترامپ مدل 2024 همان ترامپ مدل 2016 است؟

برخی افراد و گروه‌ها مدام تاکید می‌کنند که هرچه سریع‌تر با ترامپ مذاکره کنیم! شخصاً معتقدم شاید از طریق مذاکره با بایدن بهتر میشد منافع ملی را تامین کرد. همان هفته اول که دکتر پزشکیان

رییس‌جمهور شدند دیدار کوتاهی با او داشتم و توصیه کردم که قبل از قدرت گرفتن ترامپ بهترین موقع است برای حل مشکلات با آمریکا. نه در این حد که با آمریکا پسرخاله شویم، بلکه به صورتی که شدت بحران‌های میان دو طرف کاسته شود. این روند محقق نشد. معالوصف من با افرادی که مدام بر طبل مذاکره با آمریکا در کوتاه‌ترین زمان می‌کوبند مخالفم. ما با بایدن که میانه‌روتر بود، مسائل‌مان را حل نکردیم. حالا برای مذاکره با ترامپ سر و دست می‌شکنیم. این مذاکرات را نمی‌توان عجلانه دنبال کرد. باید اجازه دهیم رخدادها مسیر طبیعی خود را طی کنند. مهم‌ترین کاری که در امریکای تحت مدیریت ترامپ می‌توانیم انجام دهیم، تنش زدایی و درگیر نشدن است. باید ابتدا ببینیم که موضع دولت آمریکا و ترامپ نسبت به ایران چگونه است. اگر آمادگی داشت و راجع به مسائل مشترک صحبت کرد، ما هم نظریات خود را می‌دهیم. بهترین راهبرد برای ما سیاست صبر و انتظار است. باید ببینیم ترامپی که او می‌شناسیم و تپیش را می‌شناسیم چگونه عمل می‌کند. خودمان قبلاً مدل ایرانی ترامپ را داشته‌ایم. کسی چه می‌داند شاید مواضع ترامپ درباره ایران تغییر کرد. ترامپ هم به دنبال آن است که قدرتمند جلوه داده شود. در کل درخصوص آمریکا هیچ کاری لازم نیست انجام دهیم. باید سیاست سکوت و انتظار در پیش بگیریم.

من با افرادی که مدام بر طبل مذاکره با آمریکا در کوتاه‌ترین زمان می‌کوبند، مخالفم. ما با بایدن که میانه‌روتر بود، مسائل‌مان را حل نکردیم حالا برای مذاکره با ترامپ سر و دست می‌شکنیم. این مذاکرات را نمی‌توان عجلانه دنبال کرد.

بهترین راهبرد برای ما سیاست صبر و انتظار است. باید ببینیم ترامپی که او و تپیش را می‌شناسیم چگونه عمل می‌کند. خودمان قبلاً مدل ایرانی ترامپ را داشته‌ایم. کسی چه می‌داند شاید مواضع ترامپ درباره ایران تغییر کرد.

من مخالف حجاب اجباری هستم. تا جایی که من می‌دانم و احساس می‌کنم، کل حاکمیت با این قانون و این نوع برخوردهای سلبی موافق نیستند. موضوعاتی مانند حجاب و عفاف و فیلترینگ، مذاکره و... از جمله این موارد هستند.

برخی فکر می‌کنند اگر مساله فیلترینگ و حجاب حل شود، انسجام اجتماعی به صد درصد می‌رسد. دولت نباید از اقتصاد غافل شود. مشکلات اقتصادی هم کاملاً قابل حل است.

در دهه 60 به ما ناسزا ميگفتند که کوپونيزم يعني کمونيسم! هر اسمي که اين سياست داشته باشد، حداقل نيازهاي مردم را با قيمت ثابت و قابل قبول تامين ميکند. اين روند البته تا زماني بايد ادامه يابد که مشکلات حوزه سياست خارجي و تحريمها حل شود.

در دولت خاتمي علاوه بر انسجام اجتماعي و مشارکت عمومي، بهترين آمارهاي اقتصادي در دوران پس از انقلاب ثبت شد. در حوزه سياست خارجي ايران به اندازههاي رشد کرد که بنا به خواست دولت ايران سال 2001 به نام سال گفتوگوي تمدنها شناخته شد.

من طرفدار ديپلماسي، تنشزدائي و مذاکره هستم. معتقدم حتي برخورد ما با اسراييل بايد برخورد سياسي و پيگيري موضوع از طريق مجاري بينالمللي و پيگيريهاي حقوقي باشد، از اين طريق نقشه نتانياهو را ميتوان خنثي کرد.

اگر به جاي پزشکيان، سعيد جليلي رييسجمهور بود، ايران امروز احتمالاً درگير جنگ بزرگي شده بود که نتايج غيرقابل پيشبيني داشت. البته خوشبختانه ساير سران قوا (قوه قضاييه و مقننه) هم مواضع تندي در قبال موضوعات منطقهاي نداشتند.

راهبرد ما بايد اجتناب از جنگ جديد با اسراييل، ادامه مذاکرات با اروپا خصوصاً در دوره ترامپ و تلاش براي احياي چيزي شبیه برجام، جدا کردن خرج اسراييل از امريکا و يکي نکردن حساب اين دو باشد.